

دکتر اصغر نظریان^(۱)

«شهرهای آینده: کانون فاجعه‌ی انسانی یا بستر تعادل فرهنگی»

Future Cities: The Human Holocaust Midpoint or the Cultural Interaction Stand

Dr. Asghar Nazarian

Abstract:

In the beginning of 21st century the world urban population has reached to about 50% of global total population and it is predicted that in the year 2050 it will exceed 61%. Nearly 12% of population is living in cities over 10 million. The existence of cities having more than 20 to 30 million population of the cities is rising, the collective immigration of the rural population to the cities is inclined toward disproportion gradually. This issue has discomfited deeply the globe. How can we control and organize the large amount of population who show different behaviors in their cities> The international emigrations constituted from various civilizations and cultures that are related to the regional

stresses, and economic problems and the speed of the extension of international and global relations have also intensified this issue and have increased the awkwardness. Whereas the cities have qualified the indicators and standards of the development and reinforced them, currently along with the explosive growth of the population they step up against the civilization and development. The cities with the bizarre spatial extension act against the ecologic foundations. In the meantime, the role geography in fact, is to satisfy the interests in order to maintain mindful and efficient the nations' and government's' responsiveness in solving the problems ensuing from the increased growth of the cities and urbanization.



چکیده:

در آغاز قرن بیست و یکم، جمعیت شهری دنیا، بمرز ۵۰ درصد کل جمعیت جهان رسیده است و پیش بینی می‌شود؛ در سال ۲۰۲۵ میلادی از مرز ۶۱ درصد تجاوز نماید. نزدیک به ۱۲ درصد این جمعیت، در شهرهای بالای ۱۰ میلیون نفر، ساکن خواهد بود و وجود شهرهای ۲۰ تا ۳۰ میلیونی در ۲۵ سال آینده قابل پیش بینی است. بدین ترتیب، در حالی که جمعیت دنیا در حال افزایش است؛ توزیع فضای شهری با مهاجرت‌های انبوه جوامع روستایی بنفع شهرها روز به روز، بطور فزاینده‌ای بعدم تعادل، گرایش پیدا می‌کند. این امر، نگرانی عمیقی را، در سطح جهانی موجب می‌شود. و حال پرسش این است که: چگونه می‌توان این حجم جمعیتی انبوه، با فرهنگ و رفتارهای متفاوت را در درون شهرها کنترل و سازماندهی کرد؟ مهاجرت‌های برون مرزی و بین‌المللی، متشکل از فرهنگ و تمدن‌های گوناگون، که ناشی از تنش‌های منطقه‌ای است و مشکلات اقتصادی و سرعت توسعه‌ی

ارتباطات جهانی نیز بسهم خود این امر را تشدید کرده، نگرانی‌ها را افزون می‌نماید. با این که شهرها در گذشته، شاخص‌ها و معیارهای مطلوب توسعه و تمدن را در آغوش خود پرورانده، بارور می‌کردند؛ امروز با افزایش انفجاری جمعیت، برخلاف توسعه و مدنیت، گام برمی‌دارند و با گسترش فضایی ناهنجار به ضرر زیرساخت‌های اکولوژیکی عمل می‌کنند. در این میان رسالت جغرافیا در حقیقت پاسخ به علایقی است که وجدان ملت‌ها و دولت‌های جهانی را، در رفع مسایل و مشکلات حاصل از رشد فزاینده‌ی شهر و شهرنشینی بیدار و کارآ نگهدارد.

مقدمه:

در دنیای امروز، علم جغرافیا برای تداوم و توسعه و حفظ پویایی و اطلاع از سرزمین‌ها و مکان‌های دیگر، خود را تنها در ابعاد ویژگی‌های جغرافیایی و ابعاد مکانی محدود نمی‌سازد. زیرا در شرایطی که سرزمین‌ها و مکان‌ها، پدیده‌هایی چون نفوذ سرمایه‌های تکنولوژی، تجارت، تقابل گروه‌های اجتماعی، رشد سریع جمعیت و تحولات فرهنگی - هنری را در هم می‌آمیزند؛ یک نظام سیستماتیک و پیچیده‌ای را فرا روی جغرافیدانان قرار می‌دهند که ساخت و گشایش بافت در هم پیچیده‌ی سرزمین‌ها و مکان‌ها را مشکل می‌سازد. مجموعه‌ی عوامل فوق، در یک جریان و زمان در حال تکامل، از آغاز پیدایش انسان و تشکیل مجامع انسانی با روند به تازید؛ اشکال متنوعی از معیشت انسانی را، موجب شده‌اند که امروز نظم پیچیده و بهم بافته آن را ملاحظه می‌کنیم و در آینده نیز، ابعاد متنوع آن را، شاهد خواهیم بود. در این میان شهرها از اهمیت و پیچیدگی خاص برخوردارند و دورنمای نگران‌کننده‌ی آن‌ها توجه جغرافی دانان را به این پدیده بیشتر کرده است.

در آغاز قرن بیستم فقط ۱۵ درصد از جمعیت جهان، شهرنشین بوده‌اند، که در حال حاضر به ۴۸ درصد رسیده است. پیش بینی می‌شود که در سال ۲۰۲۵ جمعیت شهرهای جهان، ۶۱/۱ درصد کل جمعیت جهان، بالغ گردد، درصد ۵ میلیارد انسان را شامل می‌شود. در این میان، تعداد شهرهای پرجمعیت، که در سال ۱۹۵۰ فقط یک شهر را شامل

می‌شد؛ در حال حاضر به ۱۲ شهر رسیده است. پیش بینی می‌شود که تعداد این شهرها در سال ۲۰۱۵ به ۲۷ شهر بالغ گردد، این شهرها در حدود ۴۵۰ میلیون نفر را در خود جای خواهند داد. از این تعداد شهرها فقط ۴ شهر و نهایتاً دو شهر در کشورهای توسعه یافته خواهند بود و بقیه، در کشورهای در حال رشد شکل خواهند گرفت. جمعیت شهری کشورهای در حال توسعه، در پایان سال ۲۰۰۰ به ۴ میلیارد نفر خواهد رسید که نسبت به سال ۱۹۰۰ که ۳۰۰ میلیون نفر بود ۱۴ برابر خواهد شد. وجود شهرهای ۲۵ تا ۳۰ میلیونی، در این مقاطع قابل پیش بینی است.

هدف جغرافیای امروز، عرضه‌ی مسایل بزرگ جهان معاصر، و در این میان طرح روابط، تعامل، رفتارها و تمدن‌های جوامع انسانی است، که به پیدایش و ظهور فضاهای بزرگ، متروپلی شدن و جهانی شدن افکار، نابرابری‌ها در امر توسعه و مخاطرات بوم شناختی امکان خودنمایی داده است. ظهور و روند توسعه‌ی در حال افزایش شهرهای بزرگ جهان و جمعیت آن در این میان وجهی نگران کننده و مخاطره‌آمیز در عرصه‌ی جهانی است.

تفکر نظری و فرضیات:

با توجه بظهور پدیده‌ی شهرنشینی و شهرهای بزرگ و غول آسا و این که نظریه‌های مختلف توسعه، مقام و جایگاهی به ابعاد فرهنگی و زندگی اجتماعی قایل اند، می‌توان پیش فرض‌های زیر را پیشنهاد کرد:

- ۱- شهرها عالیترین نمود و نشانه‌های توسعه، فرهنگ و تمدن‌ها را در خود جای می‌دهند.
- ۲- شهرها در گذشته معیارهای مطلوب توسعه، تمدن و فرهنگ‌ها را در خود پرورانده، بارور می‌کرده‌اند، ولی امروزه با افزایش انفجاری جمعیت، شهرها برخلاف توسعه و مدنیت گام بر می‌دارند.
- ۳- جریان‌ات توسعه در شهرهای مختلف جهان، بازتاب‌های همگون و همسو ایجاد نمی‌کنند، با این همه شهرها آماده‌ترین بستر، برای برخورد فرهنگ‌ها، تمدن، تعارض و تعامل آن‌ها هستند.

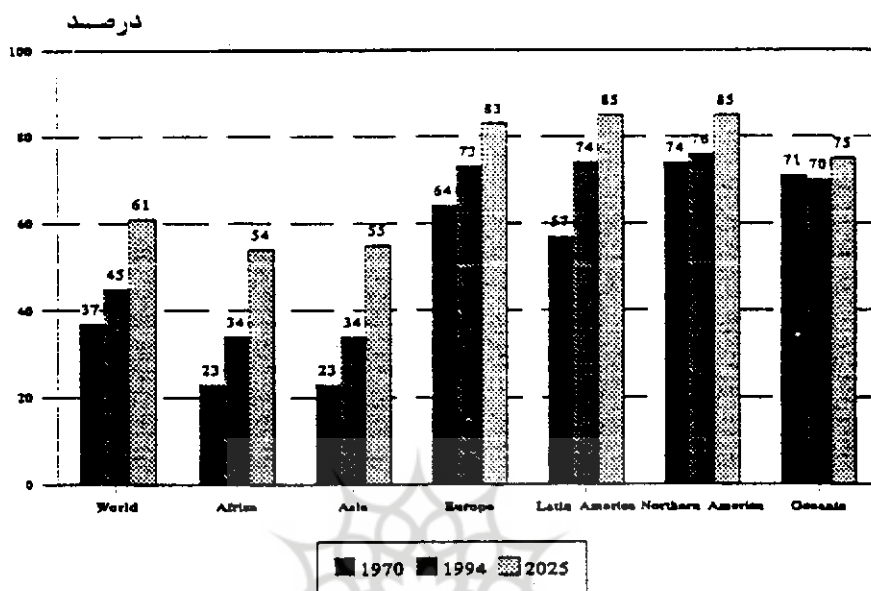
الگوهای توسعه شهری در جهان:

در حالی که ۳ درصد از جمعیت جهان در سال ۱۸۰۰ در شهرها زندگی می‌کردند، این رقم با انقلاب صنعتی در آغاز قرن بیستم به ۱۵ درصد رسیده است. این نسبت در سال ۱۹۵۰، ۲۹، در ۱۹۹۵، ۴۴/۸ و در حال حاضر ۴۸ درصد می‌باشد. پیش بینی می‌شود که در افق سال ۲۰۲۵ جمعیت شهری جهان، به ۶۱/۱ درصد کل جمعیت جهان بالغ گردد که ۵/۰۶۵ میلیارد انسان را شامل می‌شود. توزیع و روند افزایش جمعیت شهری در مناطق مختلف دنیا، متفاوت است. در افریقا در سال ۱۹۵۰، درصد جمعیت شهری ۱۶ و در ۱۹۸۵، ۳۰ درصد بود که پیش بینی می‌شود این رقم در سال ۲۰۲۵ به ۵۵ درصد کل جمعیت افریقا بالغ گردد.

در آسیا این ارقام به ترتیب ۱۶، ۲۸، ۵۳ درصد بوده، بعد از این نیز چنین خواهد بود. در امریکای لاتین که پیش‌تاز توسعه‌ی شهرنشینی در کشورهای جهان سوم است؛ در سال ۲۰۲۵، ۸۴ درصد جمعیت شهرنشین خواهد شد؛ در حالی که در سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۸۵ به ترتیب ۴۱ و ۶۹ درصد بوده است. در سطح منطقه‌ای، این ارقام در فاصله سالهای ۱۹۷۰ تا ۲۰۲۵ در کشورهای در حال پیشرفت، ۲۵ و ۷۵ و برای کشورهای توسعه یافته، ۶۷/۵، ۸۴ خواهد بود (جدول شماره ۱ و نمودار شماره ۱).

جدول شماره ۱ - میزان درصد جمعیت شهری جهان در نواحی مختلف^(۱)

درصد جمعیت شهری			جمعیت شهری به میلیون نفر			مناطق و نواحی
۲۰۲۵	۱۹۹۴	۱۹۷۰	۲۰۲۵	۱۹۹۴	۱۹۷۰	
۶۱/۱	۴۴/۸	۳۶/۶	۵۰۶۵	۲۵۲۱	۱۳۵۳	جهان
۷۵	۳۷	۲۵/۱	۲۰۲۵	۱۶۵۳	۶۷۶	مناطق کم توسعه
۸۴	۷۴/۴	۶۷/۵	۱۰۳۰	۸۶۸	۶۷۷	مناطق توسعه یافته



نمودار شماره ۱ - درصد جمعیت شهری در مناطق و قاره‌های جهان در سال‌های ۱۹۷۰ -

۱۹۹۲ - ۲۰۲۵.

تفاوت بین کشورهای پیشرفته و در حال پیشرفت کاملاً مشخص است. کشورهای پیشرفته، در فاصله سال‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰؛ جمعیت خود را دو برابر کرده‌اند، در حالی که جمعیت شهری، در کشورهای در حال پیشرفت، ۶ برابر شده است. در این میان آنچه بیش از همه اهمیت دارد، این است که روند توسعه و افزایش جمعیت شهری به روند افزایش جمعیت جهان پیشی گرفته است. (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲ - میزان و درصد جمعیت شهری در کشورهای توسعه یافته^(۱)

درصد جمعیت شهری			جمعیت شهری به میلیون نفر			مناطق و نواحی
۲۰۲۵	۱۹۹۴	۱۹۷۰	۲۰۲۵	۱۹۹۴	۱۹۷۰	
۸۴	۷۴/۴	۶۷/۵	۱۰۴۰	۸۶۸	۶۷۷	کشورهای توسعه یافته
۸۹/۱	۸۴/۹	۸۴/۴	۲۶	۱۸	۱۳	استرالیا و نیوزیلند
۸۳/۲	۷۳/۳	۶۴/۴	۵۹۸	۵۳۲	۴۲۳	اروپا
۸۴/۹	۷۷/۵	۷۱/۲	۱۰۳	۹۷	۷۴	ژاپن
۸۴/۸	۷۶/۱	۷۳/۸	۳۱۳	۲۲۱	۱۶۷	امریکای شمالی

برخلاف شهرنشینی قرن نوزدهم، که بخش عظیمی از افزایش جمعیت شهر ناشی از افزایش طبیعی بود؛ در حال حاضر ۴۰ درصد افزایش جمعیت شهرها، ناشی از مهاجرت‌های داخلی و خارجی است.

بطور کلی افزایش جمعیت شهری جهان در درجه‌ی اول، ناشی از افزایش طبیعی و لجام گسیخته جمعیت بوده، جابجایی‌های فضایی، زمینه‌های تمرکز این جمعیت را در شهرها فراهم آورده است. با توجه به تغییراتی که در سطح جهانی، در مناطق مختلف مشاهده می‌گردد، ۴ الگو و مدل زیر، در جریان توسعه‌ی شهرها و جمعیت شهری قابل پیش بینی است.^(۲)

- ۱- کشورهای اروپایی: که در آن‌ها روند و آهنگ افزایش جمعیت شهری، در حال کند شدن است.
- ۲- کشورهای امریکای شمالی، نیوزیلند و استرالیا: که در آن‌ها آهنگ افزایش جمعیت شهری، به جریان متداول توسعه خود ادامه می‌دهد.
- ۳- کشورهای سوسیالیستی: که در آنها آهنگ افزایش جمعیت شهری، تابع برنامه ریزی‌های اقتصادی دولتها بوده و هست.
- ۴- کشورهای رو به رشد: که در آنها آهنگ افزایش جمعیت شهری، با سرعت بیشتری رو به افزایش است.

۱ - UNITED NATION, 1994, pp 2-23.

۲ - BEAUJEU - GARNIER, J, 1980, pp 22-23.

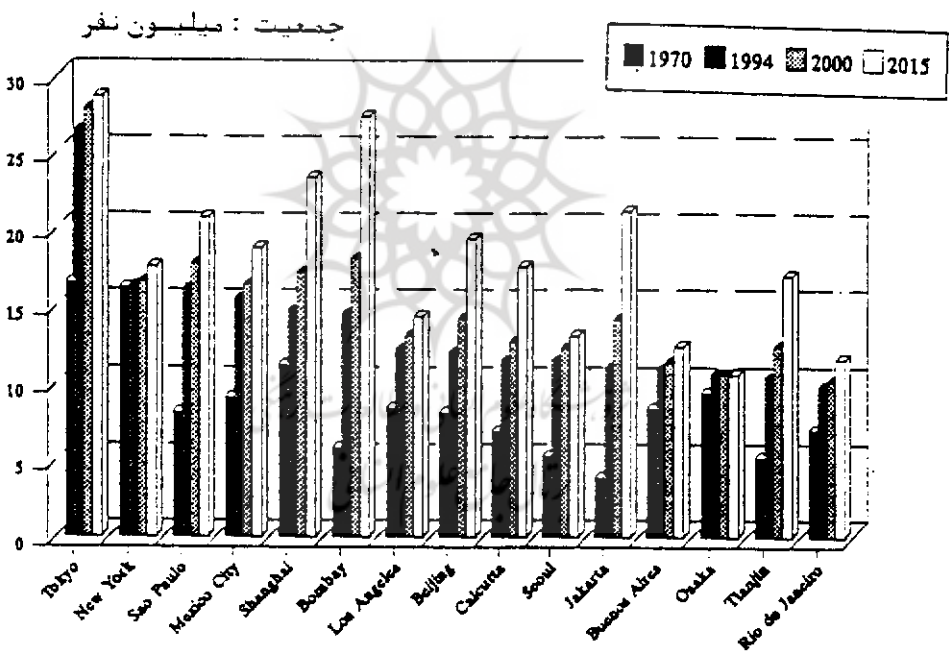
جدول شماره ۳- ۱۵ شهر اول بالای ۱۰ میلیون نفر و جمعیت آنها در جهان (۱)

سال ۲۰۱۵		سال ۱۹۹۴		ردیف
جمعیت به میلیون نفر	نام شهر	تعداد جمعیت به میلیون نفر	نام شهر	
۲۸/۷	توکیو	۲۶/۵	توکیو	۱
۲۷/۴	بمبئی	۱۶/۳	نیویورک	۲
۲۴/۴	لاگوس	۱۶/۱	سائوپولو	۳
۲۳/۴	شانگهای	۱۵/۵	مکزیکوسیتی	۴
۲۱/۲	جاکارتا	۱۴/۷	شانگهای	۵
۲۰/۸	سائوپولو	۱۴/۵	بمبئی	۶
۲۰/۶	کراچی	۱۲/۲	لوس آنجلس	۷
۱۹/۴	پکن	۱۲	پکن	۸
۱۹	داکا	۱۱/۵	کلکته	۹
۱۸/۸	مکزیکوسیتی	۱۱/۵	سنول	۱۰
۱۷/۶	نیویورک	۱۱	جاکارتا	۱۱
۱۷/۶	کلکته	۱۰/۹	بوینس آیرس	۱۲
۱۷/۶	دهلی	۱۰/۶	اوزاکا	۱۳
۱۷	تیان شین	۱۰/۴	تیان شین	۱۴
۱۴/۷	مانیل	۹/۸	ریودوژانیرو	۱۵

شهرهای جهان:

تعداد شهرهایی که در جهان در سال ۱۹۹۴، بیش از یک میلیون نفر، جمعیت داشتند ۲۸۱ شهر بود، که در این میان، ۲۱ شهر، بین ۵ تا ۱۰ میلیون و ۱۲ شهر، بیش از ۱۰ میلیون

نفر، جمعیت داشتند. در افق سال ۲۰۱۵، تعداد این شهرها بترتیب، از کل ۵۴۳ شهر بالای یک میلیون نفر، ۲۴ و ۲۷ شهر خواهد بود. ارقام فوق نشان می‌دهد، تعداد شهرهای پرجمعیت جهان، در سال ۱۹۵۰ فقط یک شهر را شامل می‌شد؛ در حال افزایش است. در این سال فقط شهر «نیویورک» بیش از ۱۰ میلیون نفر جمعیت داشت؛ در حالی که در حال حاضر، ۱۲ و در افق سال ۲۰۱۵ به رقم ۲۷ و در سال ۲۰۲۵ به رقم ۳۳ شهر بالغ خواهد شد. این گروه شهرها در سال ۲۰۱۵ حدود ۱۱ درصد جمعیت شهرهای جهان و بطور مطلق ۴۵۰ میلیون نفر را در خود جای خواهند داد. مهمتر این که، از این تعداد شهر در سال ۲۰۱۵، فقط ۲ شهر در کشورهای توسعه یافته خواهند بود و بقیه در کشورهای در حال توسعه؛ بترتیب ۱۸ شهر در آسیا، ۱ شهر در آفریقا، و ۵ شهر در امریکای لاتین خواهد بود. (جدول شماره ۳ نمودار شماره ۲)



نمودار شماره ۲ - تغییرات جمعیت ۱۵ شهر اول جهان در سال‌های ۱۹۹۴ و ۲۰۱۵ (۱)

وجود شهرهای ۳۰ میلیونی، در افق سال ۲۰۱۵، دور از انتظار نیست. در همین سال نیویورک دیگر جزو ده شهر اول بزرگ جهان قرار نخواهد گرفت. متوسط شهرهای بزرگ، از ۷ میلیون نفر در سال ۱۹۷۰، به ۳۰ میلیون نفر خواهد رسید و ۱۰ شهر اول جهان، ۳۰۳ میلیون نفر را در خود جای خواهند داد. همانطور که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد؛ ۱۰ شهر اول جهان در سال ۲۰۱۵ هر کدام نزدیک به ۲۰ میلیون نفر و در پایان سال ۲۰۰۰، کلاً ۲۱۵ میلیون نفر جمعیت خواهند داشت.

بازتاب اکولوژیکی شهرهای بزرگ جهان، و روند رو به رشد و افزایش جمعیت آنها بطور شفاف روشن است. عوامل روشن این بازتاب‌ها، در درجه اول، توسعه فضای شهری و دست یابی آن‌ها به فضاهای پیرامون و بیش از همه به زمین‌های کشاورزی است. در کشور هند، امریکای لاتین، جنوب شرقی آسیا، ایران و بطور کلی، در اکثر کشورهای جهان بخصوص، جهان سوم این بازتاب کاملاً روشن است. آلودگی و کمبود آب نیز از عوامل دیگری است که موجبات آلودگی و عدم بهداشت شهرهای بزرگ جهان را فراهم کرده است. مهمتر از همه آلودگی هواست که اکثر شهرهای بزرگ جهان سوم، با آن دست به گریبان هستند. «مکزیکوسیتی»، آلوده‌ترین شهر جهان است. مسئولین شهر از روی اجبار ایام و ساعات تحصیل دانش‌آموزان را تغییر داده‌اند. طبق نظر سازمان بهداشت جهانی، ۸۰ درصد سرطان‌ها، مربوط به آلودگی هاست؛ بخصوص آلودگی هوا. شهر «پکن» بیش از ۱۰ برابر حد مجاز آلوده است. «شانگهای» و «تهران» جزو آلوده‌ترین شهرهای دنیا هستند. در شهر «آتن» آلودگی هوا، روی مرم‌های آثار باستانی باندازه‌ی ریه‌های انسانی، تأثیر سوء گذاشته است. بطور کلی، افزایش جمعیت جهان به افزایش تعداد و حجم شهرهای بزرگ منجر شده، پیش‌بینی می‌شود که آینده‌ی کره‌ی زمین با تخریب محیط زیست، فرسایش خاک و از بین رفتن گستره‌ی زمین‌های قابل استفاده؛ بیش از هر چیز از طریق شهرهای بزرگ به خطر بیافتد. بعلت مجاورت اکثر شهرها با منابع آب و یا امکان انتقال آن، از دور دست‌ها بتدریج از اقتصادی شدن و بهره‌ور شدن آب، کاسته شده شهرها با اتلاف منابع آب، کمبود آب را، در جهان موجب خواهند شد. دگرگونی در نظم اکولوژیکی مستلزم بحث مفصلی است، که در این مقاله نمی‌گنجد.

قطب‌های عمده و تقابل کانون‌های جمعیتی و شهرهای جهان:

مطلب حایز اهمیت، در افزایش جمعیت جهان و افزایش تعداد شهرهای بزرگ، تقابل و همسایگی گروه‌های ساکن، در بخش‌های مختلف کره‌ی زمین است که از رشد اقتصادی و ساختار اجتماعی متفاوتی برخوردارند. بعلاوه نسبت جمعیت آن‌ها به همدیگر و آهنگ رشد آن‌ها کاملاً غیر متعارف می‌باشد.

در حال حاضر، دنیای پیشرفته، با نسبت جمعیتی معقول هم از طرفی در مقابل و از طرف دیگر در حصار کشورهای جهان سوم قرار گرفته‌اند که از رشد جمعیتی بالاتری برخوردارند.^(۱)

«استرالیا» و «نیوزیلند» در مجاورت کانون جمعیتی بزرگ اقیانوس آرام و کمان پرجمعیت جنوب شرق آسیا قرار گرفته‌اند که دارای جمعیتی با رفتار، تمدن و فرهنگ متفاوت بوده از سطح زندگی و در آمد کمتری برخوردار می‌باشند.

- ایالات متحده‌ی امریکا، در همسایگی توده‌ی جمعیتی انبوه؛ با تضادهای فرهنگی، قومی، مذهبی و اقتصادی که همه ساله، فوج عظیمی از جمعیت خود را از راه‌های قانونی یا بطور غیر قانونی روانه‌ی کشور امریکا می‌کند؛ قرار دارد. وجود اقلیت‌های قومی «مکزیک»، «پورتوریکویی»، «هندوراسی» و سایر اقوام کشورهای امریکای لاتین، در شهرهای امریکا بغیر از، مهاجرنشین‌های آسیایی و افریقایی از مدت‌ها پیش مسایل تازه‌ای را مطرح کرده است. کشور امریکا، بخاطر رشد و توسعه‌ی سریع اقتصادی و نابرابری، در افزایش جمعیت عملاً به گروه‌های مهاجر نیاز دارد و امروز بخش عظیمی از کاهش جمعیت امریکا، از طریق جلب مهاجرین خارجی تأمین می‌گردد که از زبان، مذهب، فرهنگ و تمدن‌های مختلفی برخوردار هستند.

- اروپا قاره‌ای است، که در مجاورت و همسایگی گروه‌های قومی متفاوت با فرهنگ‌ها، زبان و تمدن‌های مختلف قرار دارد. طبق پیش بینی‌ها، در سال ۲۰۲۵، از هر پنج اروپایی یک نفر سیاه پوست خواهد بود. اروپای غربی در مجاورت و در نواحی دریای مدیترانه و جنوب

شرقی با ۹ کشور مسلمان، در تبادل فرهنگی و انسانی است. گروه کشورهای غرب اروپا که در سال ۱۹۹۰، ۳۳۰ میلیون جمعیت برای ۱۲ کشور محاسبه شده است؛ تقریباً دو برابر ۹ کشوری که از «مراکش» در غرب، شروع و به «ترکیه» در شرق ختم می‌شود؛ جمعیت داشته است. اما نسل اروپایی از ۱۹۷۰ رو به کاهش گذاشته است و طبق پیش بینی‌ها، در سال ۲۰۲۵، ۴۵ میلیون نفر جمعیت خود را از دست خواهد داد. بدون محاسبه مهاجرین، اروپا در آن سال، ۲۷۵ میلیون نفر، جمعیت خواهد داشت. در حالی که ۹ کشور مسلمان در این مدت ۴۰۰ میلیون نفر جمعیت خواهد داشت.

دو منطقه‌ی اروپا و کشورهای مسلمان پیرامون آن‌ها اهالی قاره‌ی سیاه، که در کنار هم‌دیگر قرار دارند؛ در دوره‌ی تاریخی آینده، جمعیت جوان خود را، در مقابل توسعه‌ی اقتصادی وسیع، از دست داده، جمعیت آن‌ها به پیری، گرایش پیدا خواهند کرد و البته مدت هاست که رشد منفی جمعیت، در اکثر کشورهای اروپایی ظاهر شده است. البته باید در نظر گرفت که جمعیت پیر، علی‌رغم عدم مشارکت در رشد اقتصادی، در درآمد‌های ملی کشورهای اروپایی سهم می‌باشد. در این حالت، وضع موجود این کشورها، این فکر را القا می‌نماید که کشورهای اروپایی، به جذب جمعیت بخش جنوبی، نیاز داشته باشند؛ تا از این طریق کمبود جمعیت جوان خود را جبران نمایند. علی‌رغم این که این کشورها، مرزهای خود را بر روی این کشورها بسته‌اند، باز هم با اعمال ضوابطی؛ احتمال وقوع این جابه‌جایی خیلی قوی است.

در این رابطه دو گزینه یا دو احتمال وجود دارد: در یک دوره‌ی چهار ساله، جریان مهاجرت از طرف کشورهای افریقایی به کشورهای اروپایی، روانه خواهد شد. تعداد این جمعیت بین ۲۵ تا ۶۵ میلیون نفر می‌تواند باشد. در فرضیه‌ی اول، می‌توان ملاحظه کرد که از هر ده اروپایی، یک نفر افریقایی خواهد بود و در فرضیه‌ی دوم، در سال ۲۰۲۵ از هر پنج اروپایی یک نفر افریقایی است. اگر این اعداد ارزش پیش بینی هم نداشته باشد؛ باز هم می‌تواند مسایل کشورهای اروپایی را تشدید نماید. با این همه آن چه که به شهرنشینی و مهاجرت مربوط می‌شود آن است که بخش عظیم یا صد درصد این مهاجرین، در شهرها ساکن خواهند شد و مدت زمان زیادی طول خواهد کشید که جمعیت انبوه مورد بحث

مشکلات زیادی را از نظر فرهنگی برای شهرهای اروپایی بیار خواهند آورد.^(۱) در حال حاضر، علایم تنش و حاشیه نشینی و پیدایش گروه‌های سیاه پوست نشین و مسلمان نشین در جومه‌ی شهرهای بزرگی مثل «پاریس»، «لندن»، «رم»، «بارسلون»، «مارسی»، و مانند آن‌ها ظاهر شده است. چگونه می‌توان توسعه‌ی شهرهای بزرگ، مثل پاریس را کنترل کرد؟ در حالی که قدرت عمومی و توده‌ی جمعیت متباین، تعادل را در اکثر جاها بر هم زده است؛ چگونه می‌توان؛ این متروپل‌های بزرگ را که پر از گتوها و گروه‌های قومی است و به درجه‌ی انفجار رسیده‌اند سامان داد. همین امروز ۸۰ درصد اروپایی‌ها در شهرهایی زندگی می‌کنند که با مشکلات ناشی از توسعه یافتگی و تضادهای فرهنگی مواجه‌اند. چگونه می‌توان؛ شهرها را با وجود توده‌های فقیر، تجدید سازمان داد در حالی که با بهبود سطح زندگی، روز به روز تجدید بناهای مسکونی، تأسیس و ایجاد زیر ساختها و تجهیزات شهری ضرورت پیدا می‌کند؟ مهمتر از همه آن که، طبقات مرفه جامعه‌ی شهری، در درون شهرها برای دستیابی به امکانات بیشتر و پیشرفته‌تر، روز به روز عطش بیشتری نشان می‌دهند.

مشکلات و مسایل توسعه در شهرهای کشورهای پیشرفته:

شهرهای کشورهای پیشرفته، با مشکلاتی مواجه هستند که نتیجه‌ی توسعه‌ی اقتصادی و افزایش جمعیت در این شهرها است. درصد جمعیت شهرنشین، در پایان قرن حاضر از ۸۰ درصد تجاوز خواهد کرد و پیش بینی می‌شود در سال ۲۰۱۵ به مرز ۸۴ درصد کل جمعیت جهان برسد. این درصد، در خیلی از کشورها از این رقم هم بالاتر است. با این که شهرهای بزرگ اروپایی به گسترش افقی پرداخته‌اند و موج فرار از کانون‌های شهری بزرگ، از مدت‌ها قبل شروع شده است با این همه، محدودیت‌هایی در این موارد وجود دارد. در قرن آینده پدیده‌ی ایجاد مناطق شهری شامل شهرها و شهرک‌ها و کانون‌های آقماری که از مدت‌ها پیش در اروپا ظاهر شده بود بطور محسوس‌تری مشاهده خواهد شد. اما مشکلات، هنوز سرجای خود باقی است. یکی از آن موارد، مشکلات حمل و نقل است. هر سال ۱۰ درصد بر

تعداد وسیله‌های نقلیه‌ی شخصی اضافه می‌گردد. طبق محاسبات تازه در اروپا، برای هر ۱۰۰۰ نفر ساکن شهر ۳۷۹ وسیله‌ی شخصی وجود دارد که ۱۲۰ میلیون وسیله را شامل می‌شود و در افق ۲۰ سال آینده این رقم ۳۵ درصد افزایش خواهد یافت و به ۴۹۰ وسیله نقلیه برای هر هزار نفر خواهد رسید. تبعات ناشی از این افزایش، در سرزمین کوچکی مثل اروپا، که اکثر زمین‌های آن تحت کشت و توسعه‌ی کشاورزی است؛ در درجه‌ی اول با کمبود زمین برای رفت و آمدهای برون شهری جلوه‌گر خواهد شد. در داخل شهرها نیز سیاست‌گذاری‌ها برای ایجاد محورهای رفت و آمد؛ بدلیل گرانی زمین بطور کامل امکان‌پذیر نیست و ایجاد محورهای ارتباطی برای حل مشکل ترافیک داخلی، با مشکلاتی مواجه خواهد شد. مشکل ترافیک در ساعات خاص روز، در اکثر شهرهای بزرگ اروپایی از حالا شروع شده است. جابه‌جایی و تغییر کاربرهای اراضی شهری و به ارزش رسیدن آن‌ها و بورس بازی بر روی زمین، از مسایلی است که مکانات ایجاد راه‌های ارتباطی سریع شخصی را محدود کرده است.^(۱)

مسأله‌ی وسایل نقلیه‌ی عمومی هم، مشکل دیگری است که روز به روز در شهرهای کشورهای پیشرفته؛ بخصوص اروپایی تشدید می‌شود. اگر در «اتازونی» امکان توسعه و استفاده از وسایل نقلیه‌ی شخصی بجای وسایل نقلیه عمومی در چهارچوب تئوری فوردیسم امکان‌پذیر است؛ در کشورهای اروپایی وسیله‌ی نقلیه‌ی عمومی یکی از راه‌های اساسی در تأمین امکانات جابه‌جایی مردم شهرها می‌باشد.

امروز در اکثر کشورهای اروپایی تکنولوژی وسایل نقلیه‌ی عمومی؛ کهنه و فرسوده شده است و امکان تجدید ساختاری آنها بدلیل محدودیت فضایی مشکل است. فضای کشورهای اروپایی از وسایل نقلیه عمومی اشباع شده است و بانفت فعلی شهرها به تجدید سازمان و ساختاری آنها امکان می‌دهد و خرید بقیمت گزاف این کار عملی نیست.

مشکلات اجتماعی درون شهری در کشورهای پیشرفته:

مشکلات اجتماعی شهرهای کشورهای پیشرفته را به دو گروه می‌توان تقسیم کرد:

۱- مشکلات ذاتی: که ناشی از توسعه‌ی اقتصادی و نظم زندگی و ساختاری این شهرها است. مثل مشکل جوانان، فقر، اشتغال و مانند آن‌ها. مشکل جوانان از مشکلاتی است که در شهرهای کشورهای پیشرفته مطرح است. این مسایل در درجه اول، ناشی از افت تحصیلی است. افت تحصیلی در کشورهای پیشرفته، از ۱۹۶۰ شروع شده و روز به روز در حال افزایش است.

این امر با افزایش سطح تغذیه به چاقی بیش از حد کودکان و جوانان منجر شده است. نرخ خودکشی در کشورهای پیشرفته، در حال افزایش است و به سنین پایینتر نیز تسری کرده است. خودکشی، اکثراً در سنین ۲۰ تا ۲۵ سالگی، قابل ملاحظه بود که امروزه به سنین ۱۵ تا ۱۹ سالگی کاهش یافته است. نتیجه‌ی نهایی این کار، افزایش استفاده از مواد مخدر است که جوانان را با افزایش نرخ مرگ و میر و امراض عفونی و آمیزشی رو به رو ساخته است. نرخ زندگی فقیرانه کودکان بعلت زندگی در خانواده‌هایی با سطح معاش پایینتر رو به افزایش گذاشته است. مجموعه‌ی عوامل فوق بدلیل زیر عارض شده است:

- جو خود اختیاری و کاهش تحکیم روابط خانوادگی، که با انقلاب در سنت‌های زندگی فامیلی حاصل شده است.

- بی‌کاری، که اکثر جوانان، به دلیل افت تحصیلی با آن مواجه هستند.

- استعمال بیش از حد مواد مخدر که بعنوان نمونه امریکا به تنهایی نصف کوکائین جهان را مصرف می‌کند.

۲- مشکلات ناشی از مهاجرت‌ها: مهاجرت گروه‌های مختلف اجتماعی با فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف؛ بایجاد بخش‌های اقلیمی، قومی، زبانی، مذهبی، امکان داده است. کشورهای امریکایی از مدت‌ها قبل، با این پدیده رو به رو هستند و کشورهای اروپایی علی‌رغم سعی در همگنی اجتماعی بدلیل پیشرفت ارتباطات و سایر مسایل جهانی روز به روز با افزایش تعداد خارجی‌ها در کشور خودشان مواجه هستند.^(۱) پیدایش محلات و مناطق حاشیه نشین، در اطراف شهرهای بزرگ از مشکلات جدید کشورهای اروپایی است.

۱- شکویی، ح. (۱۳۶۵)، جغرافیای اجتماعی شهرها. صص ۱۰۶ و ۱۰۷.

تعارضات قومی، فرهنگی هر روز در درون شهرهای اروپایی تشدید می‌شود. در موارد متعدد هم جریان‌های سیاسی و گرایش‌های دولتی و جزئی نیز، به این تعارضات، دامن می‌زنند. هنوز شهر پاریس نتوانسته است حومه‌ی خود را سامان دهد و مشکلات جوانان غیر فرانسوی در آن‌ها و اقلیت‌های قومی، زبانی و مذهبی؛ جامعه شناسان را به خود مشغول داشته است. باندهای جوانان در «شیکاگو» و «نیویورک» و نا امنی‌های ناشی از آن، هر روز بحث ارتباط جمعی این کشورها و جهان است. مشکلات حاشیه نشینی شهرهایی مثل رم، بارسلون، فرانکفورت و مانند این‌ها هنوز، حل نشده است. اندیشه‌های ضد انسانی و افکار نژاد پرستانه بتازگی در اروپا و امریکا تشدید شده است.

مسایل و مشکلات قومی و اجتماعی در کشورهای جهان سوم:

بحث در این راستا مفصل و بقول معروف «مثنوی هفتاد من کاغذ شود» ولی آن چه موجبات تشدید وضعیت اجتماعی شهرهای جهان سوم شده است؛ افزایش بیش از حد جمعیت این شهرها بواسطه‌ی مهاجرت گروه‌های مختلف قومی و نژادی، در تمام ابعاد آن است. مهاجرت به شهرهای بزرگ، بصورت رؤیای همه‌ی روستاییان و اقلیت‌های قومی همه‌ی جوامع در آمده است. در شهر «کلکته» روزانه ۲۰۰۰ روستایی هندی؛ با فرهنگ‌های مختلف و بنگلادشی و مسلمان؛ به این شهر روانه هستند. اکثر مهاجر نشین‌های ایالتی و کشورهای حاشیه در اطراف کلکته اطراق کرده‌اند و هنوز امکان ورود به کلکته را پیدا نکرده‌اند. شهر کلکته پذیرای جمعیتی است که در گذشته، مرکز و مسکن جمعیت بورژوازی محلی و بورژواهای انگلیسی بوده است. اختلاف قومی در داخل شهر، بین مسلمانان و غیر مسلمانان هندی و غیر هندی و اقلیت‌های قومی تشدید شده است. در این شهر هزاران مرکز تجمع حاشیه نشین و حلبی آباد برای اقامت افراد، اقوام و گروه‌های مختلف وجود دارد.^(۱) شهرهای «سئول»، «کراچی»، «بمبئی»، «جاکارتا»، «پکن»، «شانگهای»، نیز وضعیت بهتری، از این شهر ندارند.

شهرهای کشورهای مسلمان، با این که از نظر مذهبی، از یکدستی نسبی برخوردار هستند ولی وجود اقلیت‌های قومی، در داخل آن‌ها تضادهای آشکاری را نشان می‌دهد. شهر «قاهره» شهر قدیمی مسلمانان و مسیحیان و اقلیت‌های دیگر است. امروز از همه‌ی نقاط مصر مهاجرانی به آن شهر روی آورده‌اند. شهر تهران به تنهایی سه میلیون آذری، یک میلیون کرد و یک میلیون از اقلیت‌های قومی دیگر را در خود جای داده است. شهرهای بزرگ دیگر، از این قاعده مستثنی نیستند. پیش بینی‌های آتی، برای لاگوس نگران کننده است. حتی شهرهای اسلامی مثل: مکه و مدینه نیز از این تعارضات قومی و فرهنگی مستثنی نیستند و گرایش به سکونت در شیخ نشین‌های خلیج فارس، از اقوام و گروه‌ها و فرهنگ‌های مختلف کشورهای اسلامی؛ پدیده‌ی تازه‌ای نیست.

کشورهای امریکای لاتین، مرکز تضادهای قومی و فرهنگی هستند. شهر «سائوپولو» با ۱۴ میلیون نفر جمعیت، چهارمین شهر دنیاست. شهری که انسجام شهری در آن معنی ندارد. گروه‌های قومی پایه و اساس این شهر هستند. هر سال ۳۰۰ هزار نفر به شهر وارد می‌شوند و در خیابان‌ها، حاشیه‌ها و داخل شهر تجمع می‌کنند.^(۱) سائوپولو شهر ملیت‌های مختلف است. ملت‌های عربی از لبنانی، مصری و مراکشی هر کدام برای خود کانون‌های جداگانه و محلات جداگانه‌ای دارند؛ همچنین یونانی‌ها و نزدیک به نیم میلیون ژاپنی، چینی و کره‌ای، در این شهر و در محلات مخصوص به خود زندگی می‌کنند. ایتالیایی‌ها نزدیک به ۲ میلیون نفر هستند که در محلات مخصوص خود زندگی می‌کنند. یهودی‌ها در این شهر، تا امروز ۲۵ «کنیسه» برای خود ساخته‌اند سیاهپوست‌ها بطور پراکنده در همه جا هستند. برزیلی اصیل، که پرتغالی و بومی، باشد در بین ساکنان این شهر، کمتر دیده می‌شود. مهاجرین در محلات خود با حالتی عریان، بدون مسکن، بیکار و بی چیز، همه جا دیده می‌شوند. شهر سائوپولو بدون داشتن یک نظام شهری منسجم؛ رو به تخریب است، که این وضع نیز به نوبت خود نتیجه‌ی تضادهای قومی و گروهی و فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف است که باعث می‌شود مجموعه‌ای در حال انفجار را پدید آورد.

شهرهای دیگر امریکای لاتین، مانند: «مکزیکوسیتی»، «ریودوژانیرو» و «بوینس آیرس» نیز وضعیتی بهتر از این شهر ندارند. شهر مکزیکوسیتی بدرجه‌ی انفجار رسیده است. آلودگی هوا و آلودگی‌های ناشی از عدم بهداشت به‌مراه تضادهای قومی از عوامل عمده مؤثر در بحران‌های آینده‌ی این شهرها هستند.

ارزیابی و تحلیل نهایی:

از نظر تئوریک این موضوع، پذیرفته شده است که کارآیی اقتصادی شهر؛ زمانی که به سطح معینی از جمعیت برسد؛ رو به کاهش می‌نهد. بحث اصلی این است که مقیاس یا اندازه‌ی فضاهای شهری، نامحدود نبوده، زمانی که این اندازه، بسطح معینی از جمعیت برسد زیان‌های اقتصادی، جان‌نشین صرفه‌های اقتصادی شده، افت کارآیی شهر را موجب خواهند شد. هزینه‌های سرانه‌ی تهیه‌ی زیر بناهای خدمات شهری نیز، بصورت نامتناسب رشد می‌کند. در نتیجه؛ با در نظر گرفتن پایه‌های اقتصادی کشورهای در حال رشد؛ نگهداری و توسعه‌ی شهرهای بزرگ را برای این کشورها، پرهزینه‌تر می‌سازد.^(۱) از طرف دیگر در یک جریان اقتصادی وابسته به نظام سرمایه داری جهانی و اقتصاد آزاد جهانی، شهرهای بزرگ؛ جایگاه ویژه‌ای را نه تنها در سطح ملی بلکه در سطح جهانی اشغال می‌کنند و در حقیقت مناسبترین پایگاه توسعه‌ی نظام سرمایه داری در کشورهای جهان سوم می‌باشند.^(۲) بنادر بزرگ اغلب در نتیجه‌ی کنترل تجارت بین‌المللی به شهرهای برتر تبدیل شده‌اند. علاوه بر این؛ تکامل برتر کنترل سودهای اضافی، که تجارت بین‌المللی را بوجود می‌آورد؛ در رشد و توسعه‌ی شهرهای بزرگ و جمعیت جهان در حال پیشرفت، نقش اساسی دارد.^(۳)

- تقسیم کار جدید بین‌المللی الگوی نوینی را از رشد شهری و انباشت جمعیت در شهرها نشان می‌دهد؛ که نتایج صنعتی شدن و جریان سرمایه‌های چند ملیتی، به داخل کشورهای جهان سوم است.

۱ - عابدین در کوش، س. (۱۳۶۴)، ص ۹۱ - ۹۲. ۲ - آلن گیلبرت و... (۱۳۷۵)، صص ۱۱ و ۸۱ و ۸۲.

- از نظر اجتماعی، بنظر دانشمندان، مناطق شهری را اکثراً با تضادهای طبقاتی می‌توان شناخت. تضادهایی که نتیجه‌ی مستقیم عمل‌کرد سرمایه داری تولیدی است. امروز تنها بر حسب پویایی نظام سرمایه داری؛ می‌توان شکل و بافت شهری، اداره شهری و ایدئولوژی شهری را دریافت.

مردم، منطقه‌های شهری را تعیین می‌کنند. این یکی از نتایج کشمکش‌های طبقات مختلف اجتماعی است. مشکلات شهری جنبه تصادفی ندارد و همیشه نیز از سوء مدیریت ناشی نمی‌شود با ظهور علایق این یا آن گروه اجتماعی طبقات ایجاد می‌گردد.^(۱) ولی متأسفانه با افزایش فشار اقتصادی بین‌المللی، روز به روز روند افزایش تعداد و جمعیت شهرهای بزرگ، سرعت بیشتری پیدا می‌کنند. اختلافات قومی و طبقاتی، مذهبی و زبانی افزایش یافته و جریان‌های اقتصادی به این اختلافات دامن می‌زنند. در حقیقت مشکل اساسی نه بر مبنای افزایش رقم مطلق جمعیت شهرها؛ بلکه بر مبنای تضادهای اجتماعی، شکل حادثتری بخود می‌گیرد. چگونه می‌توان این حجم جمعیتی انبوه با فرهنگ و رفتارهای متفاوت را در درون شهرها کنترل و ساماندهی کرد. با در نظر گرفتن حجم مهاجرت‌های برون مرزی و بین‌المللی متشکل از فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون که در حال افزایش است و تنش‌های منطقه‌ای؛ مشکلات اقتصادی و سرعت توسعه‌ی ارتباطات جهانی که به این امر دامن زده است؛ نگرانی‌ها را افزون‌تر می‌کند. بطور کلی اگر در گذشته، شهرها، شاخص‌ها و معیارهای مطلوب توسعه و مدنیت و تمدن را در آغوش خود می‌پروراندند. و بارور می‌کردند، امروزه شهرها با افزایش انفجاری جمعیت، برخلاف توسعه و مدنیت گام بر می‌دارند.^(۲)

- در طول تاریخ تنوع فرهنگی و اختلاف نواحی فرهنگی، همیشه وجود داشته است پس ضرورت دارد که منشاء و چگونگی این فرهنگ‌ها و تغییرات آن‌ها را در بستر زمان دانست همچنین تنازعات و تعامل‌های فرهنگی آن‌ها را شناخت و چشم انداز تاریخی آن‌ها را نیز مدنظر داشت. بدین ترتیب تعامل فرهنگی گروه‌ها و جوامع مختلف انسانی، در سطح کروی

۱ - آلن گیلبرت و... (۱۳۷۵)، صص ۱۱ و ۸۱ و ۸۳

زمین و ارتباطات فشرده و مستمر آن‌ها با همدیگر در درون شهرهای بزرگ، از مسایلی هستند که نباید از نظر دور داشته شوند و حتی الامکان سعی گردد یک پارچگی اقتصادی و نظم ملی، این پدیده در دراز مدت کم رنگ شود. ولی در شرایطی که این ناهمگونی‌ها، در مکان‌های پرتراکم جمعیتی و توده‌های بر روی هم انباشته اتفاق بیفتد؛ و یا در یک وابستگی محیطی و منطقه‌ای تحقق یابد؛ کار را برای سامان دادن این شهرها مشکل‌تر خواهد نمود.^(۱)

- گسترش روزافزون مبادلات و فرهنگی و کوتاه شدن فاصله‌ی جوامع از طریق شبکه‌های پیچیده‌ی رسانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی، جامعه‌ی بشری را تا حد یک دهکده‌ی جهانی کوچک کرده است. نزدیکی روزافزون جوامع و ملل از یک سو؛ موجب افزایش شباهت‌ها در سطح منطقه‌ای و جهانی شده و از سوی دیگر؛ بر پررنگ شدن نقاط اختلاف؛ اعم از قومی، نژادی، فرهنگی، و اعتقادی انجامیده است، که چهره‌ی خیلی روشن و پررنگ آن را در شهرهای بزرگ ملاحظه می‌کنیم. از یکسو، پیوستگی جوامع کوچک را بهم، در قالب اتحادیه‌های بزرگ شاهدیم و از سوی دیگر، تجزیه سرزمین‌ها و کشورهای بزرگ را، در اثر درگیری‌ها و نزاع‌های قومی و مذهبی در پی داریم. نمود پر رمز و راز این جریانات را اکثراً در داخل شهرها ملاحظه می‌نماییم. بدین ترتیب، تعامل فرهنگی گروه‌ها و جوامع مختلف انسانی در سطح کرده‌ی زمین و ارتباطات فشرده و مستمر آن‌ها با همدیگر از مسایلی هستند که در جغرافیای امروز و در چهارچوب گفتگوی تمدن‌ها قابل بحث و ارزیابی است؛ تا حداقل مشکلات ناشی از برخورد و تقابل فرهنگ‌ها و تعارضات قومی، زبانی و مذهبی را کم رنگتر و در سطح پایینتری از نیروی محرکه‌ی طبقات جمعیتی ساکن در یک شهر قرار دهد.^(۲)

مشارکت در پرورش مدنی، یکی از اهداف جغرافیای امروز و نیازهای کنونی جوامع انسانی، در دنیای امروز است. قابل فهم کردن جهان در جغرافیا؛ به معنای آن است که جهانیان را برای پذیرش نوع جدیدی از شهروندی، آماده کرد. شناخت مسایل ژئوپولیتیکی جهان، روابط ملل، دولت‌ها و تعاملات فرهنگی از مسایلی هستند که ما را به درک مسایل زیست محیطی جهانی، انفجار جمعیت و شناخت مطلوب شهری؛ بخصوص شهرهای بزرگ و راه

حل مبارزه با نابسامانی‌های بوجود آمده هدایت می‌کند.

در این میان دو راه در پیش رو داریم: در درجه‌ی اول کنترل جمعیت جهان و شهرهای بزرگ و جریان‌های مهاجرتی، برای حصول به توزیع متوازن جمعیت؛ دوم سعی در توزیع موزون جمعیت، از طریق اعمال سیاست‌های جامع به نفع شهرهای متوسط و کوچک، زیرا تصور عمومی بر این است که شهرهای بزرگ، خارج از مقیاس اقتصادی یا بهینه رشد کرده‌اند.^(۱)

لزوماً سیاستهای خاصی برای تشویق عدم تمرکز، تعادل فضایی و توسعه‌ی مراکز شهری متوسط و کوچک باید گسترش یابد. جامعترین شواهد این سیاست‌ها و مطلوبیت آن‌ها را می‌توان در سیاست‌ها و گزارش‌های جمعیتی جهان؛ توسط سازمان ملل متحد، جستجو کرد که از مدت‌ها پیش این سیاست‌گذاری یعنی تشویق رشد شهرهای کوچک و متوسط را مد نظر قرار داده است.^(۲)

سؤال نهایی این که با توجه به پدیده‌ی تمرکزگرایی (هم‌گرایی) که در دوره‌های مدرنیسم اتفاق افتاده و عدم تمرکز (واگرایی) که امروز در پست مدرنیسم اتفاق می‌افتد و در اکثر کشورهای رشد یافته تحقق پیدا می‌کند، تحولات شهری، روند تکاملی خود را در کشورهای جهان سوم چگونه پشت سر خواهند گذاشت؟ آیا تعامل فرهنگی داخل شهرها و ایجاد زمینه‌ای مناسب برای ترویج مناسبات روابط سالم فرهنگی و تمدنها، راه‌گشای این جریان‌ی‌هاست که در دورنمای احتمالی آن به ناکجاآباد ختم می‌شود؛ خواهد بود یا نه؟
یا اینکه فرهنگ‌ها تا چه اندازه و تحت چه شرایطی خواهند توانست در رشد اقتصادی سهم گشته به عنوان نیروهای محرکه‌ی آنها در آینده محسوب شوند؟

۱ - پراکاس ماتور. (۱۳۶۵). نقش شهرهای ...

۲ - نظریان، ا. (۱۳۷۵). جایگاه شهرهای کوچک ...

فهرست منابع

- ۱) "آلن گیلبرت" و "ژوزف گاگلر"، (۱۳۷۵): "شهرها، فقر و توسعه، شهرنشینی در جهان سوم"، ترجمه‌ی پرویز کریمی ناصری، انتشارات اداره کل روابط عمومی و بین‌المللی شهرداری تهران.
- ۲) پراکاش ماتور (UNCRD - مرکز توسعه منطقه‌ای سازمان ملل متحد) "نقش شهرهای کوچک در توسعه ملی" - ۱۹۸۲ ترجمه شعله نوری، انتشارات مدیریت امور عمران شهری و مسکن.
- ۳) شبلینگ، ژاک. (۱۳۷۷)، "جغرافیا چیست؟"، اقتباس و ترجمه سیروس سهامی، انتشارات محقق
- ۴) شکونی، ح. (۱۳۷۳)، "دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری"، جلد اول، انتشارات سمت.
- ۵) شکونی، ح. (۱۳۶۵)، "جغرافیای اجتماعی شهرها"، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول.
- ۶) عابدین درکوش، س. (۱۳۶۴)، "در آمدی بر اقتصاد شهری"، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول.
- ۷) نظریان، ا. (۱۳۷۵)، "جایگاه شهرهای کوچک در سازماندهی فضایی و توسعه‌ی ملی"، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۲.
- 8- BEAUJEU - GARNIER - J : Geographie Urbaine, Armand - colin, 1980.
- 9- DUPAQUER - J. F: Demain de larevolution urbaine, L Evenemnt de jeudi, 22 Des.. 1990 au janvier 1991.
- 10- PLAIVCHAI - J: Cites Geantes, Fayard et le monde. 1978.
- 11- UNITED NATION: Wprld Urbanization Prospects, the 1994 Revision Now-york - 1994.